

۷

بررسی سکونتگاه‌ها و بناهای پیش از تاریخ ایرانزمین از دیدگاه انسان‌شناسی تاریخی

نوشته: ناصر تکمیل همایون

درآمد

قدمت زندگی شناخته شده نسبی انسان در سرزمین گسترده‌ای که بعدها به (ایرانزمین) شهرت یافت و نجد یا فلات ایران بخشی از آن است (ایران کنونی از لحاظ کشوری و حکومتی در حدود $\frac{2}{3}$ آن و مساوی $\frac{1}{5}$ قاره آسیا است) به حدود ده هزار سال پیش می‌رسد.

ساکنان اولیه این بخش آسیای کهن، که درباره زندگی آنان، بحث‌های گوناگون به میان آمده است. در کوهستانها (= غارها و شکافهای کوه) یا در جنگلها (= زیر سایه شاخه ساران و در پناه درختان تنومند) به سر می‌بردند، اندک اندک به دلایل جوی و اقلیمی و جغرافیایی در دشتها پراکنده شدند، و در اعتدال و خرمی آن، زندگی جدیدی را آغاز کردند.

با اینکه آثاری از زندگی پیشین آنها در دوره کهن سنگی در پاره‌ای از نقاط ایران از جمله در کرمان (= با پیدایش تبرداست متعلق به یکصد هزار سال پیش) و در کرمانشاه (= با پیدایش اشیای متعلق به هفتاد و پنج تا یک صد هزار سال پیش) به دست آمده، اما در دوره جدیدتر (= کمابیش نوسنگی) است که

پژوهشگران باستان شناس و انسان شناسان تاریخی، با قاطعیت بیشتر، از چگونگی حیات اجتماعی ساکنان آن منطقه سخن به میان آورده‌اند.

در آن روزگاران زندگی انسان با طبیعت و جغرافیا و محیط زیست پیوندی استوارتر از امروز داشت و به همین دلیل دگرگونیهای طبیعی و آب و هوا در هر عهد و زمان، وضع خاصی را از لحاظ اجتماعی پیش می‌آورد.

نشانهایی از انسان هوموساپین (Homosapien) در نواحی معتدل دریای خزر یا دریای قزوین (= غارهای کمر بند و هوتو) و انسان اندیشه گر نشاندرتال (Neanderthal) بیشتر در دشتهای ایران دیده شده‌است. آنان در مسیر زندگی خود (= شکار و گردآوری خوراک) سرگردان و «خانه بدوش» بودند و هر زمان، در مکانی مستقر می‌شدند. از ابزار سنگی (= برای شکار و زندگی روزمره) استفاده می‌کردند و مردگان خود را نیز با همان وسایل و ابزار به خاک می‌سپردند و باستان شناسان در بسیاری از حفاریهای خود در ایران، آثار آن روزگار را یافته‌اند. با اینکه زندگی کوچ‌نشینی معمول بود، اما گاه انسانهای آن عهد، کلبه‌های کوچک (= یک اتاقه، مدور یا راستگوشه) از سنگ و گل ساخته‌اند، آنان هنوز در مرحله گردآوری خوراک بسر می‌بردند و به مرحله اهلی کردن حیوانات نیز نرسیده بودند و تا آن روزگار نمی‌توان از خانه و سکونتگاه جمعی و بناهای منظم از ایران سخن به میان آورد.

۱- آغاز عصر خانه‌سازی و ایجاد سکونتگاه جمعی

با فرارسیدن عصر نوسنگی (Neolitique) با اینکه معیشت انسان هنوز با گردآوری خوراک و شکار تأمین می‌شد، لکن حرکت به سوی تولید خوراک، یعنی پیوند با زمین نیز مشهود بوده‌است. بی‌تردید با استقرار انسان در دشتهای و جلگه‌های «ایرانزمین»، ساختن پناهگاه و «آلونک» با چوب و سنگ و خاک و به مرور خانه و کاشانه برای پناه بردن به آن از سرما و گرما، برف و باران و جانوران خطرناک و داشتن آرامش، در تناسب با زمان و ویژگیهای اجتماعی، آغاز گردید و در کنار

دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و سرزمینهای حاصلخیز و دره‌های خرم، زندگی جدیدی شکل گرفت که دوران شناخته شده باستانی ساکنان این منطقه جهان است.^۱ زندگی کشاورزی و گله‌داری (= در پیوند با زمین و اهلی کردن جانوران) به گونه انقلابی بزرگ، به ساختن «تک‌خانه»ها (= با کاربرد خشت در هزاره ششم، پ.م.) شتاب داد و طی دو هزار سال وضعی را پیش آورد که نخستین «دهکده»ها (= با کاربرد آجر در هزاره چهارم، پ.م.) به وجود آیند و بافندگی و حمل و نقل رونق یابند و جوانه‌های «دین» و «دانش» و «فن» و «هنر» بر نهال زماندیده «فرهنگ» پدیدار شوند.

در این عصر (=نوسنگی، با دوره بندیهای درونی) شالوده تمدن آینده این سرزمین ریخته شد و با اسکان یافتن انسان و ساختن خانه و کاشانه‌ها و به مرور دهکده‌ها زمینه‌های دیگری پدید آمد که شهر و شهرنشینی و زندگی اجتماعی و فرهنگی پیوند یافته با آن، از بخشهای برجسته‌اش به شمار رفته است.

البته خانه‌ها هنوز گلی هستند و سازندگان از طبیعت و زندگی مبتنی بر آن و چه بسا از لانه‌های حیوانات الهام گرفته‌اند، به نظر می‌رسد که دوره «معماری» که نیازها و خواسته‌های انسان و جامعه را مستولی می‌سازد، پیش نیامده است. این امر در دشتها و کوهها و جنگلها یکسان به چشم می‌خورد.^۲

ایران شناسان و استادان انسان‌شناس و باستان‌شناس جهان، پس از دادن «تعریف»هایی چند از «خانه» و «سکونتگاه» انسان اولیه، سه گروه اصلی خانه‌سازی و سکونت را بدین شرح بیان کرده‌اند:

الف. «انسان در ساختن آن هیچ‌گونه دخالتی نداشته است، مانند غارهای طبیعی که بخصوص در دوره پارینه‌سنگی و میان‌سنگی مورد استفاده قرار گرفته است.»

ب. «انسان در قسمتی از ساختمان آن نقشی داشته است و یا تغییراتی در وضع طبیعی آن داده است که تا اوائل دوره نوسنگی ادامه داشته است و با سازش مختصری همراه است.»

ج. «تماماً به وسیلهٔ انسان ساخته شده باشد [مانند] روستاهای پیش از تاریخ که در دورهٔ نوسنگی به بعد پدید آمده‌اند.»^۲

۲- خانه‌سازی در «ایرانزمین»

از آن زمان که انسان سازندهٔ خانه و سکونتگاه خود شد، تا عصر تاریخی مورد بحث این نوشتار، سه مرحله پیش آمده‌است:

نخست: ساختن خانهٔ فاقد استحکام لازم و زیبایی (= دوران اولیه)

دوم: ساختن خانهٔ مستحکم و سودمند برای زندگی (= دوران میانی)

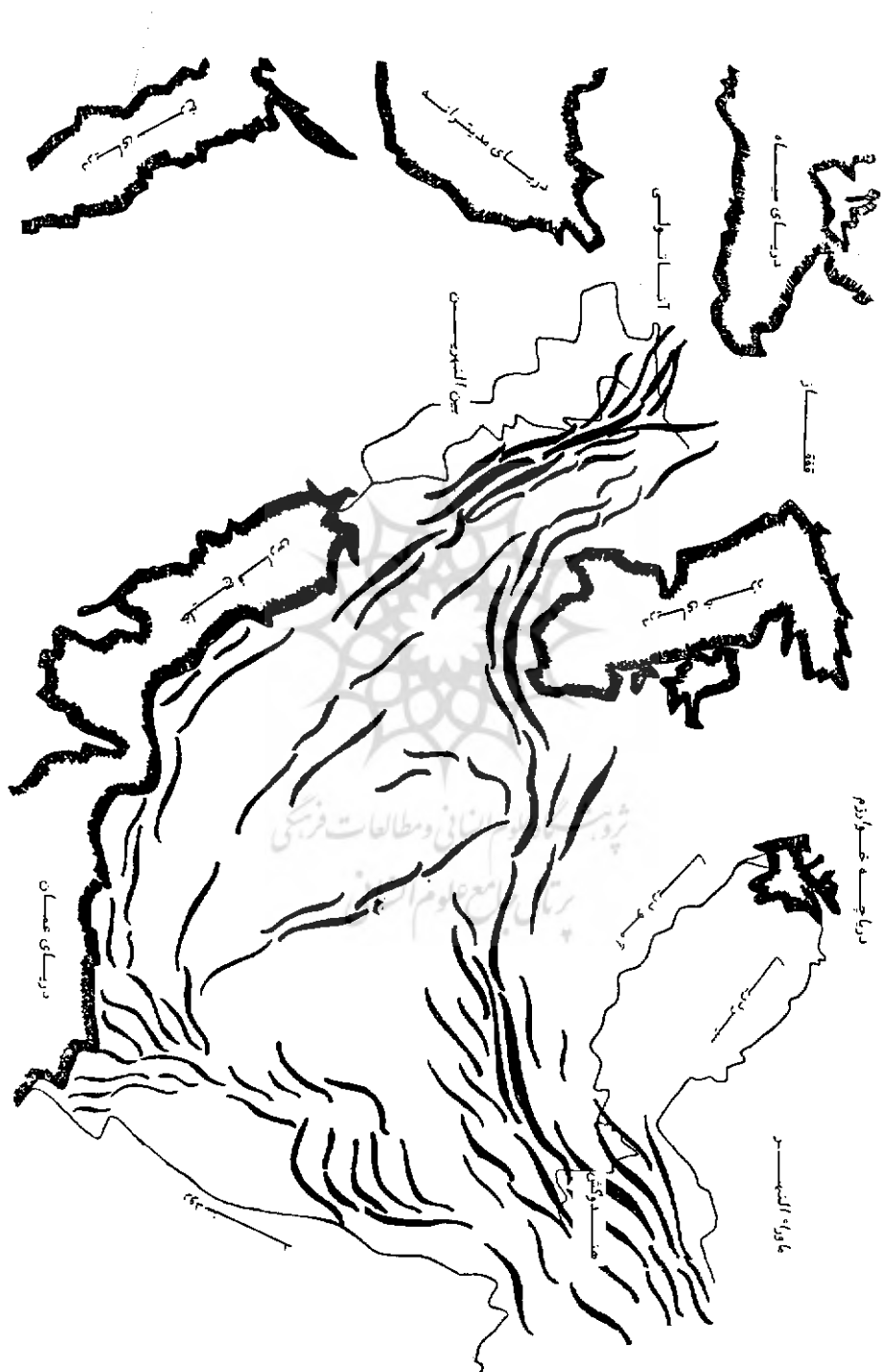
سوم: ساختن خانهٔ مستحکم و سودمند و زیبا (= دوران آغاز تمدن)

اگر سازندگیهای پیشین نوعی «پیشه و مهندسی» به شمار آید، دورهٔ سوم را عصر معماری می‌توان نامید.

هر سه مرحلهٔ خانه‌سازی در گذشته‌های باستانی ایران دیده شده‌است، از مرحلهٔ اول تا پایان مرحلهٔ سوم که عصر تمدن و آغاز تاریخ در ایران به شمار رفته، در کلیت امر سکناگزینی و خانه‌سازی مردم این سرزمین گسترده، نوعی اصالت و هویت نسبی مشهود گردیده و با تفاوت‌های اقلیمی از بین‌النهرین (= میان رودان) و آناتولی تا سند و مرزهای چین و از خوارزم تا آن سوی خلیج فارس را در برداشته و بعدها نیز در مسیر تاریخ ساختهٔ تمدن در تداوم فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته است. (ر.ک. به: نقشه جغرافیایی ایرانزمین).

۳- پراکندگی سکونتگاهها و بناهای معظم در سراسر منطقه

در سراسر «ایرانزمین» شاید بیش از هزاران غار و تپهٔ کوچک و بزرگ، دارای نشانهای باستان‌شناختی از زندگی مردم پیش از تاریخ موجود است که بیش از هزار نمونه از آنها فقط در ایران کنونی وجود دارد و از آن عده در حدود چهارصد تپه به عنوان اثر باستانی متعلق به اعصار پیش از تاریخ در فهرست آثار باستانی ایران به ثبت رسیده‌است و بسیاری دیگر مورد شناسایی و بررسی قرار



گرفته که مقدمات ثبت آنها در آینده نزدیک فراهم خواهد شد.

مشهورترین دورانهای مورد کاوش و گمان زنی و بررسی (هر یک شامل چندین غار و تپه) که البته با منطقه‌های دیگر آسیا و جهان تفاوت دارد، با اندک اغماض زمانی از این قرار است:

- دوران کهن سنگی (از قدیمیترین ایام تا ۸۰۰۰ سال پ.م.) غار هوتو، خونیک و ...

- دوران میان سنگی (از ۸۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال، پ.م.) غار کمریند و ...

- دوران نوسنگی (از ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال، پ.م.) جارمو، گردعلی آقا و ...

دوران نوسنگی به دو بخش بی سفال (۵۰۰۰ سال، پ.م.) و با سفال (از ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال، پ.م.) تقسیم شده است و به نوع دیگر، دوره سازی زیر نیز مورد توجه است:

- دوره سفال (از ۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال، پ.م.).

- دوره مس و مفرغ و برنج (از ۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰ سال، پ.م.).

- دوره آهن (از ۱۰۰۰ سال، پ.م.).

پاره‌ای از حفاریهای ایران از هزاره هشتم و نهم تا هزاره یکم پیش از میلاد، از لحاظ بناها و ویژگیهای «نیمه معماری» در سطح جهان شهرت باستان‌شناسی یافته و در تحلیلهای علمی «تمدن شناسان» دوره‌های پیش از تاریخ، نامور شده‌اند. مهمترین این حفاریهای کمابیش شناخته شده به ترتیب نسبی قدمت، در جدول زیر آمده است:^۴

نام و نشان	زمان (به طور نسبی) - پیش از میلاد
تپه گنج‌دره - باختران	۸۰۰۰ سال
تپه زاغه - قزوین	۶۰۰۰ سال
چغامیش - دزفول	۶۰۰۰ سال
سیلک - کاشان	۵۰۰۰ سال
سگز آباد - قزوین	۴۰۰۰ سال
گیان - نهاوند	۴۰۰۰ سال
تپه‌های شوش	۴۰۰۰ سال
تپه یحیی - کرمان	۴۰۰۰ سال
تپه حصار دامغان	۳۰۰۰ سال
تپه شهر سوخته - زابل	۳۰۰۰ سال
تپه حاجی آباد - کرمان	۳۰۰۰ سال
هفت تپه خوزستان	۳۰۰۰ سال
تپه میلان - فارس	۳۰۰۰ سال
چشمه علی - ری	۳۰۰۰ سال
تل ابلیس - کرمان	۳۰۰۰ سال
فرح آباد - ایلام	۳۰۰۰ سال
تل باکون - فارس	از ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال
تپه میل - ورامین	از ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال
تپه‌های شهداد - کرمان	از ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال
تورنگ تپه - کرمان	از ۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰ سال
شاه تپه - گرگان	از ۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰ سال
چغازنبیل - شوش	۲۰۰۰ سال
تپه‌های پیشوای ورامین	از ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰ سال
تل ضحاک - فسا	از ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰ سال
حسنلو - اورمیه	۱۰۰۰ سال
چراغعلی تپه (مارلیک) - گیلان	۱۰۰۰ سال
تپه‌های کلاردشت - مازندران	۱۰۰۰ سال
قیطره تهران	۱۰۰۰ سال

۴- پاره‌ای ویژگیهای ساختمانی

انسان از همان آغاز حیات، به هر دلیل اجتماعی و طبیعی، هم در درون (=انفس) و هم در برون (=آفاق) خود، در جستجوی حقیقت وجود و وجود حقیقی بوده است و آن وجود علی الاطلاق را علت العلل همه هستیها و دگرگونیها و پدیدآورنده همه وقایع و حوادث دانسته است، و به گونه کمال مطلق و مطلق کمال، جدای از زندگی روزمره و زمینی پنداشته و جایگاه ازلی و ابدی او را در ماورای طبیعت و زمین، یعنی در آسمانها جستجو کرده است.

این اندیشه «متافیزیکی» که به هر حال نوع برجسته «خداجویی» و «کمال طلبی» است از آغاز خلقت در «فطرت» انسان به ودیعت نهاده شده و در تمام شئون حیاتی او و ابتکار و سازندگیهایش (=فرهنگ)، از آن میان بناسازی و معماری انعکاس یافته است.

پروفسور پوپ بدرستی گفته است:

«انسان همیشه از وابستگی خویش به نیروهای آسمانی آگاه بود و هدف عمده اش تماس و دسترسی یافتن به این هدف به صورت ضرورتی دائمی و نیرومند تجلی می کرد.»^۵

در ایجاد این رابطه فن معماری کارایی فراوان پیدا کرده است. بناهای بلند، نه تنها به گونه ای نمادین «سمبولیک» پیوند میان این جهان و جهان آسمانی (=پل) به وجود آورده اند، بلکه مقدسترین جایگاهی به شمار رفته اند که انسان امیدوار و نیایشگر با ساختن «معبدی» و ایجاد «خلوتی»، از آن دریچه اشتیاق، «خاکیان» را با «افلاکیان» به گفتگو نشانده است. به همین دلیل معماری ایران با داشتن انواع ویژگیهای ستایشگرانه و جادویی، جنبه های مذهبی خود را آشکار کرده است و به گونه خصلت عاطفی در تاریخ، استمرار داشته است و مصالح و مواد ساختمانی و ذوق و شوق فرهنگی و محیطی را در پیوند با این باورمندی فطری قرار داده است.^۶

پروفسور پوپ در ارتباط با کوه و بلندیها و نقش فرهنگی آن در حیات ایرانی

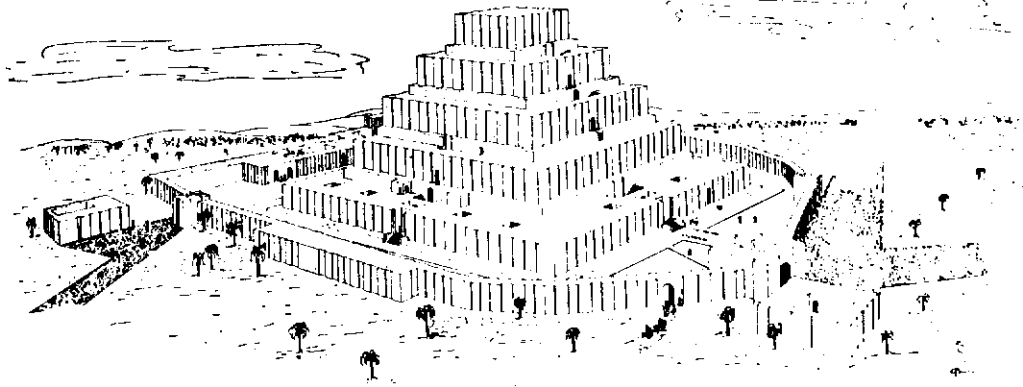
نوشته است: «در سراسر خاور نزدیک باستانی تمایل برای تحسین و پرستش شکل کوه وجود داشت. زیگوراتهای سترک که یک نواختی دشت بین‌النهرین را می‌شکست، چیزی نبود جز رسوم دینی تقلیدی از کوههای آشنای مقدس که دورتادور فلات ایران را فرا گرفته‌است، بنابراین حتی اگر چه پیدایش این بناهای جالب در خاک بین‌النهرین بود (= در حدود ۲۲۰۰ سال پ.م، همچنان در سومر زیگورات می‌ساختند) لیکن الهام بخش آنها ایران و معنای آنها از آن سرزمین گرفته شده بود.»^۷

همو در تحلیل این «معنا»، اضافه کرده‌است:

«مردمی که از سرزمینهای شرقی آمده بودند، نمی‌توانستند کوههایشان را با خود بیاورند، لذا برای خویش کوههایی ساختند و آنها را «تپه مقدس» یا «کوه همه سرزمینها» نامیدند و آنها مقام و مرتبه‌ای فوق طبیعت را نشان دادند که تحت هیچ شرط و زمان، مکان و واقعیتی قرار نمی‌گرفت. آرمان نهایی آنان که «رسیدن به آسمان» بود، در مفهوم واژه زیگورات بیان شده‌است. معنی تحت الفظی این واژه «صعود به منتهی‌الیه» است. زیگورات یک چنین اثری، همه جا ظاهر است که به نظر می‌رسد که هر شهری زیگوراتی مشرف به خود داشت.»^۸

فزون بر آرمان‌گرایی در حیات اجتماعی، از لحاظ «فیزیک ساختمان» نیز تحولات چشمگیری در هزاره‌های یاد شده، پدید آمده‌است. در دیواره‌ها و در چینه و پایه‌ها، سنگ به کار رفت، از کاهگل نیز استفاده شد. به مرور زمان با فرارسیدن دوران خشت‌سازی و آجرپزی در ابعاد مختلف، در امر «خانه‌سازی» تطوّر حاصل آمد،^۹ و از سنگ سفید و مرمر نیز بهره گرفته شد.

اما در جهت ذوق و سلیقه و هنرمندی در امر ساختمان‌سازی هم دگرگونی‌هایی پیش آمد. بسیاری از شهرهای پیش از ورود آریاییها (به ویژه سیالک و شوش) در شش-هفت هزار سال قبل دارای خانه‌های بزرگ و زیبا، خیابانها، کوچه‌ها، گذرها، بازارها، راه‌آبها و فاضلابها (تنبوشه سفالین) بودند. در بنای شهرها و ساختمانهای آن علاوه بر آجر و خشت، سنگهای بزرگ زینتی



طرح مئید جفازنبیل درخوزستان

نقل ازجلد اول کتاب جفازنبیل (بزبان فرانسه) نوشته پرفسور سمیرشمن چاپ پاریس ۱۹۶۶



هم به کار رفتند. بر مقابر (= از آن میان در شهر اور) ساختمانهای کمابیش گنبدی متعلق به پنج هزار سال پیش دیده شده است. در همان زمان در شوش، ساختمانهای خرابایی با به کار بردن گچ آغاز گردید، و سه هزار و سیصد سال پیش طاق آجری نیم‌دایره‌ای در شوش پدید آمد.

این تحولات و دگرگونیها که حکایت از پیشرفت امر ساختمان در جامعه متحول ایران آن روزگار دارد، نشانه‌هایش در بسیاری از مناطق دیگر نیز دیده شده است که با بررسی آثار باستانی و معماری ایران و تحلیلهای عینی انسان‌شناسانه، به طور کامل، از چگونگی آن آگاهی حاصل می‌شود. اما در وهله اول به نظر می‌رسد که در عصر نوسنگی در بخشهای غربی و منطقه‌های میان رودان (= بین‌النهرین) این پدیده طبیعی-اجتماعی بیشتر ظهور کرده است. وجود بناهای کهن و پیشرفته در بلندیهای زاگرس نشان‌دهنده‌ی مدنیتهای مستقر در ایران غربی به شمار رفته است. شهرهای یافت شده از لحاظ داشتن جمعیت، نهادهای پیچیده اداری، قانونهای مدون و مشاغل و حرفه‌های متنوع، رواج بازرگانی و اقتصاد پیشرفته و بالاخره بالا بودن سطح معارف و هنر، بسیار ممتاز بوده است، و به عنوان نمونه باید از زیگوات چغازنبیل (بنای چهارگوشه، هر ضلع طبقه زیرین، ۱۰۵٫۲۰ متر، پنج طبقه به بلندی ۴۴ متر، هر طبقه کوچکتر از طبقه زیرین، بلندی طبقه پنجم ۹ متر) ساخته شده توسط پادشاه عیلام، اونتاش هوبان (Untash-huban) که در شهر دور انتاشی (Dur Untashi) در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش، یاد کرد که به قول پروفیسور آرتور پوپ:

«این کهنترین اثر ایرانی [به زعم مؤلف] که دارای ابعاد و خصوصیات خیره‌کننده‌ای است با اهرام مصر برابری می‌کند.»^{۱۰}

عنایت به غرب «ایرانزمین» نباید به گونه‌ای باشد که دیگر بخشهای این سرزمین پهناور و جماعت‌های پراکنده در آن نادیده انگاشته شود، در مورد منطقه‌های درونی، یکی از باستان‌شناسان ایران نوشته است:

«دشت قزوین به دلیل دارا بودن وضع مناسب توزیع منابع آب و خاک و

همچنین شرایط خاص اقلیمی که از ارکان اصلی و اولیه برای استقرار و تولید غذا می باشد، از دیرباز مورد نظر جوامع مختلف در ادوار گوناگون پیش از تاریخ بوده است. در این دشت آثار و بقایای فرهنگی جوامع مختلف پیش از تاریخ متعلق به حداقل ۸۰۰۰ هزار سال قبل و در تمام دوران تاریخی، یعنی تا زمان حال را می توان همانند صفحات کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن در این بخش از جهان که با نظم و دقت تمام صحافی شده باشد، مورد بررسی و مطالعه قرار داد.^{۱۰}

همین محقق فرهنگ شناس، در مورد «زاغه» یکی از روستاهای این منطقه (=قزوین) اضافه کرده است:

«بر اساس مقایسه و تطبیق آثار به دست آمده از زاغه، مخصوصاً سفال، با سایر محلل‌های باستانی، تقریباً همزمان، چنین به نظر می رسد که در فاصله زمانی بین هزاره هفتم و ششم پیش از میلاد، این محل دایر و آباد بوده است، تا اینکه سرانجام در اواخر هزاره ششم پیش از میلاد یعنی حدود ۷۲۵۰ سال قبل، این روستا به کلی متروک گردید.»^{۱۱}

تپه سیلک در کاشان که متعلق به هزاره پنجم است، یکی دیگر از اماکن تمدن و شهرنشینی در مناطق مرکزی «ایرانزمین» است که نشان دهنده زندگی مبتنی بر زراعت و باغداری و اهلی کردن گاو و گوسفند می باشد.^{۱۲}

دژ حسنلو، توسط اقوام منایی (Mannes) که شعبه‌ای از آریاییها بودند، پدید آمده است که با بنای دایره‌ای شکل به قطر متوسط ۲۷۰ متر و بلندی متوسط ۲۰ متر، کیفیت معماری و سکونت منطقه آذربایجان را نشان داده است.^{۱۳}

۵- آموزش در امر سکونت و ساختمان

نخستین آموزشگر و معلم خانه سازی و معماری، طبیعت است که به حکم ویژگیهای خود از یک سو انسان را در غارها و شکافهای کوه فراخوانده و از سوی دیگر، ابزار و وسایل مقدماتی چون سنگ و چوب و پوشال در اختیار او قرار داده است تا در برابر انواع سختیها و آسیبهای طبیعت سرپناهی برای خود به وجود

آورد، و در این باب چه بسا از جانوران نیز اقتباس‌هایی کرده باشد. آلونک‌های ابتدایی از این راه درست شد، و بدیهی است که فرزندان چگونگی آن را از پدران خود آموخته‌اند و در مسیر اقتباس از دیگران و ابتکار، آن را شکیل‌تر و زیباتر کرده و به مرور اولین دهکده‌ها را پدید آوردند و در تطوّر بناسازی (سکونت - معیشتی و تولیدی) در شرایط متحوّل اجتماعی و فرهنگی، شهرهای ایرانی به وجود آمدند و اندک‌اندک معماری با تعریفی که از آن داده شده، رشد و توسعه پیدا کرد.

آموزش معماری، فزون بر جنبه‌های ساختمانی، صبغه‌های تزئینی و هنری نیز به دست آورد که در هر یک از این بخشها، حرکت تکاملی مشهود است. نظام آموزش در امر سکونت و خانه‌سازی مبتنی بر اصل پنهان‌آموزی و تعلیمات «راز و رمز» و تلقینات «سینه به سینه» و کارهای عملی، کارایی و تداوم یافته است که بی‌تردید تقلید و اقتباس از منطقه‌های گوناگون، بر پایه همجویشهای فرهنگی با حفظ هویت‌های منطقه‌ای، در آن نقش سازنده داشته است و نشانهای آن تا ورود آریایی‌ها و آغاز دوران تاریخی جامعه بزرگ «ایرانزمین» مشهود است.

حاصل سخن

در مسیر هزاره‌های برشمرده ساکنان این مرز و بوم، در جغرافیا و طبیعت ایران با برخورداری از مواد و مصالح و ابزار و وسایل موجود در منطقه خود، سکونتگاهها و عبادتگاهها و دیگر اماکن اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خود را بنا کرده‌اند و جز در موارد نادر (= غالباً حکومتی) از مواد و مصالح منطقه‌های غیر خودی استفاده نکرده‌اند، به طوری که هر منطقه‌ای در کشور، دارای معماری ویژه و ساخت ویژه و مواد و مصالح ویژه است که با کلیت جغرافیایی منطقه هماهنگی کامل دارد و کمابیش در راستای یگانگی اجتماعی و هویت فرهنگی - ملی جای گرفته است که البته جنبه‌های همگانی دینی و عقیدتی نیز بر آن حاکمیت، سایه

افکنده است.

پیوند متقابل بناها و سکونتگاه‌ها با فرهنگ جامعه، به گونه‌ای است که نه تنها می‌توان آنها را پدیده‌ای فرهنگی دانست، بلکه با شناخت آنها، به عناصر گوناگون و کارساز فرهنگ جامعه نیز آگاهی یافت، به طوری که می‌توان بدرستی بیان کرد:

«وظیفه مورخ هنر معماری است که اصل و توسعه و رشد و انحطاط شیوه‌های گوناگون معماری را که در اعصار مختلف و سرزمینهای متفاوت متداول بوده، دنبال کرده، نشان دهد چگونه این شیوه‌ها ظهور هر تمدن و جنبش آن را منعکس می‌کند. نشانه مهاجرت اقوام و فتوحات زورمندان و پیدایش نهضتها و دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی و عقیدتی، همه در سبکهای متنوع معماری نمایان است.»^{۱۴}

قدرت و زیبایی، به عنوان چشمگیرترین عناصر معماری و نیمه معماری در آثار و بناهای پیش از تاریخ ایران دیده می‌شود. سادگی ساختمانها و کاربرد رنگهای گوناگون در ارتباط با محیط، ویژگی سکونتگاههای نخستین ایرانی است که تمدن و فرهنگ و جامعه و سلیقه و ذوق و قریحه زیستی آحاد آن را آشکار ساخته است و تا ورود آریاییها و ادغام و همجوشی با ساکنان کهن و ایجاد تمدن و فرهنگ جدید همچنان پایدار مانده، و با ورود جامعه ایرانی به عصر تمدن و تاریخ، عصر دیگری آغاز شده است.

* بی‌نوشتها و ماخذ:

- ۱- سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۲ ش، ص ۱۱۱. و غلامعلی همایون «هنر ساکنین فلات ایران از آغاز پارینه سنگی تا آغاز تاریخ»، مجله بررسیهای تاریخی، سال نهم، شماره ۴، مهر و آبان ۱۳۵۳ ش. ص ۲ (۱۰۴)

- ۲- ویل دورانت، تاریخ تمدن، «مشرق زمین، گاهواره تمدن»، ترجمه احمد آرام، تهران، اقبال، ۱۳۳۷ ش، ص ۲۲ و ۲۳.
- ۳- صادق ملک شه میرزادی، «کشف قدیمی ترین روستای پیش از تاریخ در ایران»، مجله ساختمان، شماره ۶، تهران ۱۳۴۷ ش، ص ۵۹.
- ۴- ناصر تکمیل همایون، «باستان شناسی و شکل گیری آن در ایران» «فصلنامه فرهنگ و زندگی»، شماره ۳۷ و ۲۸، تهران، شورای عالی فرهنگ، پاییز و زمستان ۱۳۵۷ ش، ص ۵-۳۷.
- ۵- آرتور اُپهام پوپ، معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ، ترجمه کرامت الله افسر، تهران، انتشارات یساولی «فرهنگسرا»، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۳.
- ۶- برای آگاهی ر.ک. به: ناصر تکمیل همایون، «زمین و اندیشه هم آهنگیهای فرهنگی در ساختمان» مجله ساختمان، شماره ۱۲، تهران، مرداد و شهریور ۱۳۶۸ ش، ص ۴۵-۴۶ و ۵۸.
- ۷- معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ، ص ۱۹.
- ۸- همانجا.
- ۹- در مورد خشت و نقش ساختمانی و تاریخی ر.ک. به: پرویز ورجاوند، «خشت و نقش عامل پوشش و اندود در حفظ بناهای خشتی»، مجله هنر و مردم، سال دوازدهم شماره ۱۳۳، تهران، فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲ ش، ص ۲-۶.
- ۱۰- معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ، ص ۱۹ و ۲۰، و برای آگاهی بیشتر ر.ک. به: گزارشهای باستان شناسی، مجلد سوم، تهران ۱۳۳۴ ش، و چغازنبیل، مجلد اول از جلد ۲۹، خاطرات هیأت اعزامی باستان شناسی به ایران، پاریس، ۱۹۶۶، به نقل از مرحوم سید محمد تقی مصطفوی، نگاهی به هنر معماری ایران، تهران، سیمان تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۴-۲۰.
- ۱۱- «کشف قدیمیترین روستای پیش از تاریخ در ایران»، مجله ساختمان، ص ۵۹.
- ۱۲- رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ ش.
- ۱۳- نگاهی به هنر معماری ایران، ص ۱۷.
- ۱۴- دیباچه کرامت افسر (مترجم) بر کتاب معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ، (صفحه ۶).



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی